

سلطان زاده



نظریه پرداز انقلابی فراموش شده

خسرو شاکری

ترجمه: عرفان آقایی

۲۰۲۵

فهرست صفحه

۱.سلطانزاده : نظریه پرداز انقلابی فراموش شده ۵

۲.مرحله‌ی دوم حزب کمونیست ایران ۲۱

۳.به ضمیمه‌ی تزه‌های ارائه‌شده به لنین توسط سلطانزاده در آستانه‌ی دومین

کنگره‌ی کمیترون ۳۰

با فونت زر ۱۴ و قطع A۵ تنظیم شده است.

سلطان زاده

نظریه پرداز انقلابی فراموش شده

آوتیس میکائیلیان که عمدتاً با نام سلطان زاده شناخته می شود، در سال ۱۸۹۰ در مراغه، شهر کوچکی در شمال غربی ایران، و در خانواده‌ی دهقانی به شدت فقیری زاده شد. به نقل از یک منبع ارمنی،^۱ در سال‌های میان ۱۹۰۳ الی ۱۹۰۶ وی به مدرسه‌ی ارمنی کوچکی در شهر زادگاهش وارد شد، شهری که در آن اولین بخش هنجاک (حزب سوسیال دموکراتیک چپ ارمنی) بنیان گذاشته شده بود.^۲

^۱ Hnch'akean Kowskats'owt'can Cortsneowt'ivune ,Der-Vartanian, Alexandre- (The Activity of the Hnchakist Party in Persia), Memorial) Parrskastanowm dedicated to the 40th anniversary of the Hnchakist Party, Paris, 1930, pp. 112-115

بگذارید اضافه کنم که سلطان زاده رابطه‌ی با کریسفاو میکائیلیان، زاده‌ی ۱۸۵۹ نداشت، فردی که از رهبران داشناک بود و بعدها به سمت اولین رئیس جمهوری ارمنستان در ۱۹۲۰-۱۹۱۸ نائل شد.

^۲ - See Nalbandian L- ,The Armenian Revolutionary Movement , (Los Angeles, 1963).

مدیر سابق آن مدرسه، الکساندر درواراتیان گزارش داده است با این که پدر
آوتیس سلطان حسین و مادر وی مریم باجی پیش تر به دین اسلام گرویده بودند،
آوتیس جوان به جماران (که یک مدرسه‌ی دینی ارمنی در اچمادزین
[واغارشاپات] بود) در نزدیکی ایروان فرستاده شد.

مدیر مدرسه نقل می‌کند که آوتیس جوان در طول دوران تحصیلش به شدت
تحت تاثیر حزب هنجاکیست قرار گرفته بود، حزبی که اکثر اعضایش بعدها به
بلشویسم گرویدند.^۳

از دوران جوانی آوتیس اطلاعات اندکی در دست داریم، و حقیقتاً پی‌بردن به
آن که آیا وی تحت تاثیر جریانات اندیشه‌ی سیاسی دیگری به جز سوسیال
دموکراسی چپ‌گرای ارمنی قرار داشت یا خیر، سخت است. فقط می‌دانیم که وی
در سال ۱۹۱۲ در سن بیست و دو ساله‌گی به جناح بلشویک حزب سوسیال
دموکراتیک کارگران روسیه پیوست^۴، آن هم احتمالاً در سنت پترزبورگ، جایی
که به نظر می‌رسد وی مدارج بالای تحصیلی خود را در آنجا تکمیل کرده باشد.
اسناد منتشرشده بعد از بیستمین کنگره‌ی حزب کمونیست شوروی نقش فعال
سلطانزاده در رویدادهای انقلاب اکتبر و جنگ داخلی روسیه را تصدیق می‌کند.
به نقل از یک کمونیست قدیمی ایرانی، فردی که در مقام مشاور لنین بیانیه‌ی
انقلابی سلب مالکیت از مالکیت سرمایه‌دارانه در روسیه را تدوین کرد، سلطانزاده
بود.^۵ در سال ۱۹۱۹ سلطانزاده به عضویت حزب عدالت ایران در آمد،^۶ که توسط
جناح انقلابی حزب سوسیال دموکرات ایران در شهر نفتی باکو در سال ۱۹۱۶

^۳ - *Der-Vartanian, op. cit.*

^۴ - *SIE (Moscow) vol. 13, p. 95) Sovetskaia Istoricheskaia Entsiklopediia*

^۵ - یکی از فعالان قدیمی حزب کمونیست ایران این اطلاعات را ارائه داده است.

^۶ - *SIE op. cit.*

شکل گرفته بود. در همان سال، سلطانزاده به ریاست «بخش ویژه‌ی» کمیترین که مسئول تبلیغات در شرق بود، منصوب شد.^۷ در همان سال وی به دستور کمیترین جهت گردآوری کارگران و دهقانان ایرانی به ترکستان اعزام شد، کارگران و دهقانانی که در سرتاسر مناطق مختلف آسیای مرکزی پخش بودند. به نقل از گزارش‌های شخصی، وی و هم‌کاران نزدیک‌اش نظیر حیدرخان عمواغلی و مصطفی صبحی ارتش سرخ ایران را سازماندهی کردند. پس از آن سلطانزاده به سازماندهی کمیته‌های محلی حزب عدالت و سپس اولین کنفرانس حزب عدالت در تاشکند مبادرت ورزید و بعدتر به یکی از اصلی‌ترین سازمان‌دهنده‌گان اولین کنگره‌ی حزب کمونیست ایران (CPI) بدل گشت، کنفرانسی که در تاریخ ۲۰-۲۳ ژوئن ۱۹۲۰ در انزلی برگزار شد.

او هم در کنفرانس تاشکند و هم در کنگره‌ی انزلی حضوری فعال داشت. در پایان کنگره‌ی انزلی، سلطانزاده به منظور نمایندگی ایران در دومین کنگره‌ی کمیترین و بحث با لنین در باب تفاوت‌های موجود میان دو فراکسیون حزب در انزلی ره‌سپار مسکو شد.^۸

در حالی که سلطانزاده برای دومین کنگره‌ی کمیترین در مسکو به سر می‌برد، لنین از وی خواست که در ارتباط با دورنمای انقلاب اجتماعی در شرق تفسیری از

^۷ - گزارش مخفی: *Sûreté Nationale Française, Archives Nationales, F, 13506*.

^۸ - *Persia, See Sultanzade - Moscow, 1924) pp. 85-87*; بگذارید اشاره کنم که گ. ب. غریبجانیان در اثرش به نام *Lenin i Bolshevistkie organizatsii Za-Kavkaziia* به یادداشت‌های لنین در مورد پروژه‌ی ارائه شده توسط سلطانزاده به وی در دومین کنگره‌ی کمیترین اشاره می‌کند، اما هیچ اشاره‌ی به انتخابات بعدی شورای تبلیغات و کنش در شرق نمی‌کند (ص ۴۵۰). برای تفاوت‌های میان دو فراکسیون حزب کمونیست ایران به جلد اول و چهارم اثر زیر بنگرید: *Historical Documents of the Workers', Social, Democratic and Communist Movement in Iran hereafter referred to as Hist. Doc., Democratic and Communist Movement in Iran Ecrits. Florence, respectively 1970 and 1973, and Teheran, 1979; also see Sultanzade, A (edited by C. Chaqueri (Florence, 1980, Economiques*

دیدگاه‌اش ارائه بدهد. در یادداشت ارائه شده به لنین، سلطان‌زاده در مورد پرسش انقلاب دهقانی و تطبیق نهادهای شورایی با شرایط موجود در شرق بحث می‌کند.^۹ در پایان دومین کنگره‌ی کمیترن در اوت ۱۹۲۰، سلطان‌زاده به نمایندگی خلق‌های خاورمیانه در ارگان رهبری کمیترن، یعنی کمیته‌ی اجرایی انترناسیونال کمونیستی (ECCI) برگزیده شد.

با وجود آن‌که سلطان‌زاده در اولین کنگره‌ی خلق‌های شرق حضور داشت (سپتامبر ۱۹۲۰)، به نظر نمی‌رسد که نقش حائز اهمیتی را در آن‌جا ایفا کرده باشد، شکی وجود ندارد که این امر به دلیل حمایت فاحش استالین و متحدان ایرانی‌اش از فراکسیون مخالف سلطان‌زاده رخ داد.^{۱۰} به هر حال به نظر می‌رسد که گزارش ارائه شده توسط پاولویچ به کنگره‌ی باکو مشترکاً توسط پاولویچ و سلطان‌زاده تدوین شده باشد. در واقع، ایده‌های ارائه شده توسط پاولویچ متناظر با ایده‌های طرح شده توسط سلطان‌زاده در آن زمان است. به علاوه، در مورد اخیر سخن از گزارشی مشترک توسط سلطان‌زاده و پاولویچ می‌رود که لنین و هم‌کارانش آن را درخواست کرده بودند.

در پایان کنگره‌ی باکو، کنگره‌یی که در آن سلطان‌زاده به عنوان عضو شورای کنش و تبلیغات در شرق برگزیده شد، کمونیست‌های ایرانی کنفرانسی را تحت رهبری دستیاران قفقازی استالین ترتیب دادند. به نقل از گزارش‌های یک شرکت‌کننده‌ی استالینیست [در این کنفرانس]، کمیته‌ی مرکزی حزب کمونیست ایران که در کنگره‌ی انزلی برگزیده شده بودند، «عزل» شدند. همین منبع به ما از حضور استالین در این کنفرانس خبر می‌دهد.^{۱۱} پیش‌نویسی که برای اخراج جناح چپ کمیته‌ی مرکزی مورد استفاده قرار گرفت ظاهراً نامه‌هایی بودند که توسط

^۹ - بنگرید به ضمیمه.

^{۱۰} - برای گزارش‌های پاولویچ بنگرید به: *Le Premier Congrès des Peuples* (Baku, 1920 and Paris, 1971) pp. 123-149. (French text) d'Orient

^{۱۱} - بنگرید به: آخوندزاده (سیروس بهرام)، دنیا، سال چهارم، ۱۳۴۷.

میرزا کوچک‌خان جنگلی^{۱۱} به لنین ارسال شده بودند، نامه‌هایی که در آن میرزا کوچک‌خان از سیاست‌های به کار گرفته شده توسط کمونیست‌های ایران در شمال ایران گله می‌کرد. علی‌رغم «اخراج» رسمی، رهبری کمینترن کماکان سلطان‌زاده و رفقاییش نظیر جعفر جوادزاده (پیشه‌وری) را به عنوان کمیته‌ی مرکزی حقیقی حزب کمونیست ایران به رسمیت می‌شناخت^{۱۳}. خود سلطان‌زاده نیز در پست *ECCI* [کمیته‌ی اجرایی انترناسیونال کمونیستی] ابقا شد.

سلطان‌زاده در ۱۹۲۰ علاوه بر فعالیت‌های عملی، اولین کتاب شناخته‌شده‌ی خود را منتشر کرد، که تنها کتاب منتشرشده توسط کمینترن در رابطه با مجمع مللⁱⁱ است. سلطان‌زاده در این کتاب ابتدا درباره‌ی سرمایه‌داری و گرایش‌های تاریخی آن به بحث می‌پردازد، و مسئله‌ی غامض دگرذیسی سرمایه‌ی ارزی به سرمایه‌ی مالی، گرایش کارتل‌ها و تراست‌ها به غصب کردن منابع مواد خام، به کارگیری جهانی سرمایه، و سرمایه‌داری «جدید» که منجر به سرکوب رقابت آزاد می‌شود را مورد بحث قرار می‌دهد. او مبارزه‌ی مونوپولی‌ها بر سر بازارهای خارجی، زوال اشکال اقتصادی کهن، توسعه تجارت جهانی و صادرات ابزار تولید را مورد بحث قرار داد که یکی از نتایج آن برابری هنجارهای ملی سود می‌شد. در همین اثر، وی پدیده‌ی امپریالیسم به مثابه‌ی فرم سیاسی سرمایه‌ی مالی، نظریه‌ی انگلس در باب نابسندگی بازار، و هم‌چنین امپریالیسم بریتانیا و گرایش‌ات جدیدش را مورد بررسی

^{۱۱} -بنگرید به: فخاری، سردار جنگل، تهران، ۱۳۵۱، ویرایش چهارم، صفحات ۳۰۲-۲۹۰. توزیع کپی‌های نامه‌ها در کنگره توسط روزنامه‌ی گرجستانی *slovo* در تاریخ ۲۸ اکتبر ۱۹۲۰ نیز گزارش شده است. برای دیدن نسخه‌ی کپی این روزنامه به این جا مراجعه کنید:

Archives of the Ministère des Affaires Étrangères, Paris

^{۱۳} -این مسئله به صورت کامل در اثر زیر مورد بحث واقع شده است: *The Communist Party of Iran, Genesis, Development and Dissolution*, chapter IV, ۱۹۱۶-۱۹۳۲.

league of nations- ii

قرار داد. او این پژوهش را با بحثی درباره‌ی انقلاب اجتماعی و سقوط سرمایه‌داری به پایان برد^{۱۴}.

این هم نکته‌ی جالبی است که سلطان‌زاده درست پیش از ششمین کنگره‌ی کمیترون مقاله‌ی نظری (که در نسخه‌های آلمانی و روسی منتشر شد؛ و نه فرانسوی، انگلیسی یا ایتالیایی) در *انترناسیونال کمونیستی* منتشر کرد، که در آن شدیداً نظریه‌ی سرمایه‌ی مالی هیلفردینگ که لنین نیز با آن موافق بود را به باد انتقاد گرفت. در این جا، وی برخلاف آنچه که در کتاب فوق‌الذکر در سال ۱۹۲۰ بیان کرده بود، ایده‌ی غالب شدن سرمایه‌ی بانکی بر سرمایه‌ی صنعتی را کنار گذاشت. گرچه این مقاله که اهمیتی گزاف دارد مورد چشم‌پوشی همه در کمیترون قرار گرفت، او دوباره این مسئله را در برنامه‌ی کمیترون، و بعدتر در جلسه‌ی عمومی کنگره مطرح کرد، که در آن جا با مخالفت قیم‌آبان‌های بوخارین مواجه شد. به نظر می‌رسد که تحول دیدگاه وی در باب پرسش سرمایه‌ی مالی همان‌گونه که بعدتر خواهیم دید از سال‌ها مطالعه و کار در سیستم بانکی شوروی در بازه‌ی میان ۱۹۲۰ الی ۱۹۲۸ نشئت گرفته است^{۱۵}.

در ۱۹۲۰ او دو مقاله در *انترناسیونال کمونیستی* منتشر کرد، که در واقع دو گزارش در باب بنیان‌گذاری حزب کمونیست ایران بودند، و سه مقاله در روزنامه‌ی روسی *Zhizn'Natsional'nos* منتشر کرد که در آن‌ها ارزیابی تاریخی مختصری از جنبش آزادی‌بخش ایران در میان سال‌های پایانی قرن نوزدهم تا ۱۹۲۰ ارائه داد^{۱۶}. سلطان‌زاده در همین زمان نقشی فعال در بحث‌های ارگان‌های رهبری کمیترون داشت و از دیدگاه‌های خویش دفاع می‌کرد.

^{۱۴} - (Moscow, 1920) *Ekonomicheskaiia Politika Finansovo Kapitala*.

^{۱۵} - (nos 13 and 14, 1920) *L'Internationale Communiste*.

^{۱۶} - (nos 28, 29 and 30, 1920) *Zhizn Natsional'nostei* - Hist. Doc., برای ترجمه‌های فارسی و فرانسوی مقالات بنگرید به: *Le Mouvement vol IV, and La Social-Democratie en Iran (hereafter, SDI) (Florence, 1978) and hereafter, MCI) (Florence, 1979). All three edited by C. Chaqueri) Communiste en Iran*

در جلسه‌ی کمیته‌ی اجرایی انترناسیونال کمونیستی مورخ ۲۰ نوامبر ۱۹۲۰ وی موضعی سخت علیه «رهبران ناسیونالیست» شرق گرفت، که در آن زمان روابطی حسنه با مسکو داشتند و مورد حمایت مسکو بودند، اما در حال تلاش برای دستیابی به روابط حسنه با قدرت‌های دوستⁱⁱⁱ نیز بودند. وی با اشاره به مطالبات طرح شده توسط ترکیه‌ی کمالیستی، تاکید داشت که هر چه قدر هم کمالیست‌ها بتوانند امتیاز به دست آورند کماکان نمی‌توانند از چنگ سران بورس لندن و پاریس رها شوند. او بر دیدگاه خودش اصرار می‌ورزید که سرنوشت تمام مردمی که تمایل به زنده‌گی در دوستی با قدرت‌های امپریالیستی دارند چنین خواهد بود. او در ادامه اظهار کرد که «توسعه‌ی انقلاب جهانی به گونه‌ای است که جنبش‌های بخش کشورهای مستعمره و نیمه‌مستعمره در مرحله‌ی اول مبارزه‌اش علیه امپریالیسم ضرورتاً باید به درکی متقابل با روسیه‌ی شوروی برسد»، و به علاوه تصریح کرد که در هنگامه‌ی یک مبارزه‌ی طبقاتی شدید، حتی استقلال صوری و سطحی نیز می‌تواند بورژوازی محلی آن کشورها را راضی کند. او نتیجه گرفت که «تحول مبارزه‌ی طبقاتی در آینده‌ی نزدیک بورژوازی را حتا در کشورهای مستعمره مجبور به کنار گذاشتن همه قسم ایده‌های انقلابی خواهد کرد»^{۱۷}. در این جا وی آشکارا به مخالفت با لنین می‌پرداخت که تزش مورد پذیرش دومین کنگره‌ی کمینترن بود.

دلیلی در دست داریم که به‌پذیریم او هم‌چنین در جلسه‌ی کمیته‌ی اجرایی انترناسیونال کمونیستی مورخ ۲۹ آوریل ۱۹۲۱ حضور داشته، جلسه‌ی که در آن

ⁱⁱⁱ - اصطلاحی که برای اشاره به متفقین در جنگ جهانی اول به کار می‌رود.

^{۱۷} - *Bulletin Communiste*, "Les Evènements du Proche Orient" - no. 4 (27 January 1921); also *l'Ordine Nuovo* ۱۱ January 1921; هم‌چنین به جلسه‌ی کمیته‌ی اجرایی انترناسیونال کمونیستی مورخ ۲۸ نوامبر

۱۹۲۰ بنگرید که در انترناسیونال کمونیستی، نسخه‌ی ۱۵ (۱۹۲۱) منتشر شد. به‌تر است اشاره کنیم که در این جلسه بود که برای اولین با عبارت «بورژوازی ملی» مورد استفاده قرار گرفت، و عاری از دلالت‌های معنایی مثبتی بود که بعدها به خود گرفت.

رهبر حزب کمونیست آلمان پل لوی^{۱۸} به صورت رسمی از کمیتنر اخراج شد^{۱۸}. در ۱۹۲۱ او همچنان در *ECCI* حضور می‌یافت. متأسفانه داده‌ی زیادی در ارتباط با فعالیت‌های او در دست نداریم، به جز آن که می‌دانیم وی چندین سفر به ایران و احتمالاً سایر کشورهای خاورمیانه‌ای داشته است^{۱۹}.

آشکار است که سلطان‌زاده ارتباط نزدیکی با کمیته‌ی تهران حزب کمونیست ایران داشت، کمیته‌ی که در راس آن نزدیک‌ترین هم‌کار سلطان‌زاده در داخل کشور یعنی جعفر جوادزاده (پیشه‌وری) قرار داشت، که با هم‌کاری سید محمد دهقان روزنامه‌ی حقیقت، ارگان شورای مرکزی سندیکاهای ایران، را به چاپ می‌رساند^{۲۰}.

به علاوه سلطان‌زاده همراه با دو هم‌کار نزدیک خویش در سومین کنگره‌ی کمیتنر حضور داشت، اما به نظر نمی‌رسد که وی در مشاجرات کنگره شرکت کرده باشد^{۲۱}. در خارج از کنگره وی در جلسات *ECCI* که در تاریخ ۱۳ ژوئیه الی ۱۷ اوت ۱۹۲۱ برگزار شده بود، شرکت داشت. در طول کنگره، وی هم‌چنین

Paul Levi- ^{iv}

^{۱۸} no. 17 (1921) p. 4202, *L'Internationale Communiste* See "Le Cas Levi", in

^{۱۹} Moscow, 1922) Introduction; see also Hist. Doc., vol IV) *Sovremennaia Persiia. Sultanzade, A.* -

^{۲۰} -دهقان نماینده‌ی شورای مرکزی سندیکاهای ایران در پروفیتنر (انترناسیونال سندیکاهای سرخ) بود. هم‌چنین بنگرید به: no. 7, *Novyi Vostok sultanzade "Persidskaia Pressa"* in: (1922) and also Hist. Doc., vol. 7, (Florence, 1978) Introduction

^{۲۱} - *Stanford,) Biographical Dictionary of Comintern, Lazitch, B., Drachkovitch, M.*

192-391 pp. (1973). ادعای حضور سلطان‌زاده در سومین کنگره‌ی توسط عکسی که حضور وی در آن‌جا را نشان می‌دهد اثبات شده، که توسط آقای بوریس سوارین رهبر سابق حزب کمونیست فرانسه با گرمی تقدیم ما شده است. برای اسناد توده نیز در این مورد بنگرید به:

Anno XI, no. 2, pp. 21-22, and also Hist. Doc., T. IV, p. 8, Donya

مقاله‌یی در باب وضعیت اقتصادی ایران و خود حزب کمونیست منتشر کرد.^{۲۱} شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد سلطانزاده به نماینده‌گی خاورمیانه در *ECCI* برگزیده شد؛ دو نامه که توسط ارگان‌های کمینترن بعد از پایان سومین کنگره برای حزب کارگران کمونیست آلمان و پرولتاریا یوگوسلاوی فرستاده شدند، امضای سلطانزاده را در پای خود داشتند.^{۲۳}

در همان سال وی به مطالعه‌ی تعارضات ضدامپریالیستی بر سر منابع نفتی در سرتاسر جهان پرداخت. او نتیجه‌گیری کرد که «مسئله‌ی نفت همیشه و در هر جا... نقشی شگرف ایفا می‌کند... جنگ جهانی بعدی که در کریدورهای دیپلماتیک و وزارت جنگ کشورهای امپریالیستی در حال شکل‌گیری است، نه فقط به قصد بسط قلمرو و به دست آوردن بازارهای [جدید] بل که هم‌چنین به قصد به دست آوردن منابع نفتی رخ خواهد داد. به هر حال، ما عمیقاً معتقدیم که توطئه‌های خون‌باری که از سوی الیگارش‌ی مالی به وسیله‌ی جنگ ایجاد می‌شود تنها در هنگامه‌ی انقلاب جهانی پیروزمندانه‌ی پرولتاریا متوقف خواهد شد.^{۲۴}»

چند ماه بعد، ده هزار نسخه از کتاب دوم وی یعنی بحران جهانی و خطر جنگ جدید توسط انترناسیونال کمونیستی در مسکو منتشر شد. این کتاب به ترتیب و با جزییات بسیار به مباحث زیر پرداخت: معضلات اقتصادی کشورهای سرمایه‌داری، ایالات متحده، اروپای غربی و ژاپن.

II Année, no 3, 1921, pp. 506-507; also in "Bulletin Communiste Perse", in -^{۲۱} *Moscow, Organ of the Third Comintern Congress, no 37, 1921; MCI, pp. 247-249; Hist. Doc., vol. IV, pp. 61-62*

Vom 13 Juli) Taetigkeit der Exekutive und Praesidiums des E.K. der K.I See -^{۲۲} *Bulletin du Comite 1921 b 1 February 1922), Petrograd, 1922, pp. 6 and 100; and (no. 1 (Petrograd, 8 September 1921, Executif de l'I.C*

Narodnoe Khoziaistvo Sultanzade, A., "Bor'ba Za Mirovyie Istochniki nefi" in -^{۲۳} *April 1921, pp. 127-134*

سلطانزاده در این کتاب رقابت‌های بینا-امپریالیستی و آفرینش مجمع ملل را در مقام نوعی «کمپانی سهامی» مورد بررسی قرار داد.^{۲۵} نسخه‌ی کوتاه شده‌ی این کتاب در آستانه‌ی کنگره‌ی سوم در مقام یک مقاله در نشریه‌ی *انترناسیونال کمونیستی* انتشار یافت.^{۲۶}

پیش‌بینی‌های وی درباره‌ی جنگ جهانی دوم که حدود دو دهه پیش از جنگ ارائه شدند اشتباه نبودند.

هیولای آلمانی به زمین زده شده، اما صلح کماکان برای اروپا از راه نرسیده است! متفقین، و به‌خصوص حلقه‌های حکومتی، ناسیونالیسم و آلمان‌هراسی را ترویج می‌کنند تا آماده‌سازی تسلیحاتی خود را توجیه کنند، ... در شرق ناسیونالیست‌های ترک از امضای معاهده‌ی سور^۷ سر باز می‌زنند و متفقین نمی‌توانند موفق به تقسیم آناتولی شوند؛ در سوریه، میان‌رودان، ایران و هند تعداد جنبش‌های شورشی در حال سر به آسمان گذاشتن است. در حقیقت به‌دنبال صلح موقت هرگز صلح نیامده است ... جنگ در آن واحد نوعی بحران نهفته در [شیوه‌ی] تولید سرمایه‌داری و پرثمرترین اقدام برای مقاصد سرمایه‌گذاری است. تا زمانی که سرمایه‌داری پا برجاست، امکان جنگ میان ملل سرمایه‌داری از بین نخواهد رفت. و تقریباً با اطمینان می‌توان گفت که جنگ آینده ایالات متحده و ژاپن را در تقابل با یک‌دیگر قرار خواهد داد ... تمام آن‌چه که ایالات متحد در ژاپن می‌بیند قسمی خطر و دشمن آینده است ... به هر حال رهبران *انترناسیونال زرد* [مجمع ملل] راه

^{۲۵} (Moscow, 1921), *Krizis Mirovovo Khoziaistva i Novoia Votmaia Groza „Sultanzade, A-*
^{۲۶} *no. 17, „l'Internationale Communiste Une Nouvelle Menace de Guerre” in* -
Intemazionale Comunista; نسخه‌های ایتالیایی و آلمانی به ترتیب زیر هستند: 1921 pp. 4121-4134
no. 17 (1921) pp. 252-6, Kommunistische Internationale Roma, Giugno 1921, pp. 213-226 and
treaty of Sevre- ^v

دوری نخواهند رفت. تمام انقلاب‌های خشونت‌آمیز با اصول «دموکراسی اقتصادی» مخالفت خواهند ورزید و منافع سرمایه‌داران را تهدید خواهند کرد.^{۲۷}

از اواسط سال ۱۹۲۱ به بعد به نظر می‌رسد که سلطان‌زاده بر مطالعات‌اش در باب مسئله‌ی اقتصادی و سیاسی شرق متمرکز شده است. یکی از اولین کتاب‌های وی در باب این موضوع که بسیار مورد توجه است، در اوایل ۱۹۲۲ منتشر شد (در ده هزار نسخه^{۲۸}). این پژوهش باید در حالی انجام شده باشد که وی رهبر خاورمیانه در کمینترن بود. در تابستان همان سال سلطان‌زاده اولین کتاب‌اش را در مورد کشور زادگاه‌اش منتشر ساخت.^{۲۹} علاوه بر این آثار، باید به فعالیت‌های وی در *ECCI* در این مقطع اشاره کنیم. او در اولین پلنوم *ECCI* که میان ۲۱ فوریه و چهارم مارس ۱۹۲۲ برگزار شد.^{۳۰} و هم‌چنین در جلسه‌ی هفت ژوئن ۱۹۲۲ حضور داشت.^{۳۱}

سلطان‌زاده در سال ۱۹۲۲ چند مقاله درباره‌ی موضوعات زیر نوشت: مسئله‌ی دهقانی، وضعیت زنان، جنبش سندیکایی در ایران، مبارزه قدرت‌های جهانی بر سر نفت ایران، مطبوعات در ایران و مسئله‌ی صنعتی‌سازی چین و هند.^{۳۲}

^{۲۷}-همان.

^{۲۸}- (Moscow, 1922) *Ekonomika i Problemy Natsional'nykh Revoliutsii*, Sultanzade, A.

^{۲۹}- *Sovremenneia Persiia*, op. cit.

^{۳۰}- *Compte Rendu de la Conference de l'Executif Elargi de l'I.C.* (February to 4

March 1921) (Paris, 1921) p. 13

^{۳۱}- *Berichte Ueber die Taetigkeit des Praesidiums und der Exekutive der K.I.* (fur

Zeit vom Marz bis 11 Juni 1922), (Petrograd, ۱۹۲۲) p. 76

^{۳۲}-مقالات با عنوان‌های زیر منتشر شده‌اند:

no. 1 (1922) pp. 133-46; "Le Novyi Vostok," *The Agrarian Problem in Iran* April-May, *l'Internationale Syndicale Rouge*, "Mouvement Syndical en Perse" edited by C. Chaqueri, *Politische Schriften*, 1922; See also Sultanzade A edited, *The Condition of the Working Class in Iran* (Florence, 1975) pp. 52-57; and

گرچه به نام وی در هیچ کدام از اسناد کنگره‌ی کمیترون چهارم اشاره نشده است، برخی منابع ادعا می‌کنند که سلطان‌زاده در این گردهمایی بین‌المللی حاضر بود.^{۳۳} اگر هم در این کنگره حاضر بود، به نظر نمی‌رسد که نه نقشی ایفا کرده باشد و نه در مباحثات مربوط به مسئله‌ی استعمار شرکت کرده باشد. در واقع در مورد هیچ ایرانی‌ای چنین گزارشی ارائه نشده است.^{۳۴}

آخرین گزارش از حضور سلطان‌زاده در جلسات *ECCI* پیش از کنگره‌ی ششم کمیترون در ۱۹۲۸، حضور وی در کنفرانس بزرگ *ECCI* (۱۲ الی ۲۳ ژوئن ۱۹۲۳) است، که گزارش شده در این کنفرانس مسئولیت مهمی به وی محول شده است.^{۳۵} بر طبق اطلاعاتی که از طریق سرویس‌های مخفی غربی به دست ما رسیده است، در میانه‌ی ۱۹۲۳، زمانی که کارزار ضد-بریتانیا مجدداً توسط کمیترون فعال شد، سلطان‌زاده بار دیگر برای خدمت به جنبش بین‌المللی کمونیستی و حزب رهبری‌کننده‌ی این جنبش یعنی حزب کمونیست شوروی فراخوانده شد. حال می‌دانیم که در جلسه‌ی عمومی *ECCI* در تابستان ۱۹۲۳ احیای فعالیت‌های ضد-بریتانیایی مورد بحث واقع شدند؛ تقریباً تمام آنانی که سابقاً با شرق سر و کار

by C. Chaqueri (Florence, 1978) pp. 7-9. Sultanzade A., "Bro'be za Iranskuia Narodnyi Komissariat po inostrannym Neft" (The Struggle for Iranian Oil) in *Politische Schriften*, op. cit no.6 (1922) pp. 56-63; German translation in *Vestnik* no. 14 (27 May 1922) *Inprekorr* pp. 61-68. "Die Lage der Frauen in Persien", in op. cit., pp. 58-60. "The Question of Industrialisation of *Politische Schriften* and *no*, 1-2 (1922) pp. 63-65 *Pod Znamenem Marksizma*, "India

^{۳۳} - نماینده‌ی حزب کمونیست ایران در ششمین کنگره کریم نیک‌بین بود (که به نام حسنوف نیز شناخته می‌شود). بنگرید به *Petrograd and Moscow, 5 November to 5 December* *Protokoll des IV Kongresses der K.I.*

1922, pp. 626-627. برای زنده‌گی نامه‌ی کریم نیک‌بین بنگرید به دنیا، سال یازدهم، شماره ۳، صص. ۴۸-۵۵.

Protokoll des IV Kongresses, op. cit-^{۳۴}

^{۳۵} *Protokoll des Konferenz der Erweiterten Exekutive der K.I.* (Moskau, 12-23 Juni).

(Petrograd, 1923).

داشتند، اظهار کردند که جنبش انقلابی در شرق خطری بزرگ برای دولت‌های سرمایه‌داری غرب است و از کمیت‌ترین تقاضا کردند تلاش‌هایش را برای کمک به جنبش انقلابی در شرق دو چندان کند. در این فضا بود که در ۱۶ ژوئیه، دپارتمان شرق سازمان انترناسیونال وظیفه‌ی رهبری کارزار تحریم کالاهای بریتانیایی در ایران، میان‌رودان و عربستان را به سلطان‌زاده واگذار کرد. از آن‌جا که این تصمیمات بیش‌تر مرتبط با نیازهای سیاست خارجی شوروی بودند تا نیازهای مبارزه‌ی انقلابی در کشورهای آسیایی، به نظر کارزار خیلی به پیش نرفت و شوروی به سازشی جدید با بریتانیایی‌ها رسید.^{۳۶}

تنها اثر منتشرشده توسط سلطان‌زاده در سال ۱۹۲۳ که توانسته‌ایم آن را بیابیم اثری تحت عنوان صنعت جهانی نفت است. این اثر که در قالب کتاب و همراه با متن ترجمه شده‌ی از فرانسوی منتشر شده بود، به شرکت‌های نفتی آمریکا و اروپا و منافع متعارض آن‌ها می‌پردازد.^{۳۷} در پژوهشی مشابه، وی قرارداد سن رمو^{vi} را مورد تحلیل قرار داد، قراردادی که توسط میلران از فرانسه و جی. کدمن و لوید جورج از بریتانیا امضا شد. تحلیل‌های وی به بررسی مسئله‌ی تولید در کشورهای متفاوت، منابع نفتی در جهان، جریان جهانی نفت و نیازها کشورهای صنعتی می‌پرداختند.

در مورد فعالیت‌های سلطان‌زاده در ۱۹۲۴، ما از وجود دو کتاب اطلاع داریم که او در مورد ایران و شرق منتشر کرد.^{۳۸} لاتزیچ و دراچکوویچ در کتاب دیکشنری سرگذشت‌نامه‌ای کمیت‌ترین اظهار می‌کنند که سلطان‌زاده بعد از سال ۱۹۲۳ جای‌گاه خود

^{۳۶} - F.O. 371/9026/Northern Summary (17 August 1923), f. 110؛ اطلاعات مشابهی نیز توسط سرویس مخفی فرانسه گزارش شده بود، بنگرید به آرشیو ملی فرانسه، F(7) 13506؛ توجه داشته باشید که به‌نظر نمی‌رسد این کارزار طنین عظیمی در ایران پیدا کرده باشد، به جز یک اشاره‌ی ساده در روزنامه‌ی کار حزب کمونیست در تابستان ۱۹۲۳ چیزی یافت نمی‌شود.

^{۳۷} A-، Sultanzade, *The World Oil Industry*, (Moscow, 1923) (in Russian).
Treaty of San Remo-^{vi}

^{۳۸} - *Persia* (Sultanzade, editor) (Moscow, 1924), *Kolonial'nyi Vostok* (Moscow, 1924).

در کمیترون و رهبری حزب کمونیست ایران را جهت کار در حکومت شوروی ترک کرد^{۳۹}. اما اطلاعات ارائه شده در این اثر آن قدری که انتظار داریم دقیق نیست. به علاوه، آنان منابع خود در مورد این اطلاعات به خصوص را شرح نمی‌دهند. در سوی دیگر، منابع شوروی نشان می‌دهند که در اواسط سال‌های دهه‌ی ۱۹۲۰ سلطان‌زاده به انیستیتیوی پلخانف پیوست، جایی که در آن کادرهای درجه بالای کمیترون به مطالعه و پژوهش ادامه می‌دادند^{۴۰}. به لطف مقاله‌ی منتشر شده در نشریه‌ی *Kredit i Khoziaistv* شوروی، نشریه‌ی که خود سلطان‌زاده ویراستار آن بود، می‌فهمیم که در سال ۱۹۲۲ میخائیل ایوانوویچ روگوف، رییس جدید شورای مسکو، سلطان‌زاده را برای تدوین اصول ابتدایی سازمان‌دهی بانک شوروی به مسکو فراخواند. در حین انجام این وظیفه‌ی جدید، نیکلای واسیلیویچ پوپوف به سلطان‌زاده کمک می‌کرد، پوپوف اقتصاددانی اهل شوروی بود که بعد از افتتاح بانک شوروی مسکو به مقام اولین رییس آن نائل شد^{۴۱}.

به نظر می‌رسد که سلطان‌زاده به نوبه‌ی خود به کار در نظام بانکی شوروی تا سال ۱۹۲۷ ادامه داد. در سال ۱۹۲۶ *Kredit i Khoziaistv* با هم‌کاری گروهی از اقتصاددانان روسی دفترچه‌ی راهنمای بانکی را منتشر ساخت، که این دفترچه‌ی راهنما توسط سلطان‌زاده ویراستاری شده بود^{۴۲}.

علی‌رغم درگیری سلطان‌زاده با نظام بانکی شوروی، به نظر نمی‌رسد که هرگز از مسائل ایران به‌صورت کامل دور شده باشد. در مواجهه با سکوت و مواضع رسمی شوروی، وی هرگز هیچ فرصتی را برای بیان دیدگاهش از دست نداد. بدین ترتیب، در اول دسامبر ۱۹۲۵، نشریه‌ی ایزوستیا [*izvestia*] گزارش داد که

^{۳۹} -Lazitch-Drachkovitch, op. cit-

^{۴۰} -همان.

^{۴۱} -*Kredit i Khoziaistvo*, no. 10-11, 1927, Moscow, pp. 102-106; this review was

founded in 1925; see editor's note, in no. 1-2 (1927) pp. 1-2

^{۴۲} -*Kreditnyi Spravochnik pod redaksii* - edited by Prof A.A. Manuilov, N.V. Popov

editor in charge A.C. Sultanzade, Moscow 1926

سلطانزاده در جلسه‌یی در مسکو حضور داشت که برای بحث در مورد رویدادهای اخیر ایران و به‌خصوص امکان این که رضاخان به‌جای جمهوری یک سلسله‌ی پادشاهی جدید را بنیان نهد تشکیل شده بود.

سلطانزاده طی سخنرانی در این جلسه از وضعیت داخل ایران پرده برداشت. اندکی از سخنرانان که عمدتاً متشکل از ایرانیان مهاجر مقیم مسکو بودند و از حمایت جمعیت برخوردار بودند، به نام ایرانیان خارج از کشور طرحی را پیشنهاد دادند که موافق با انحلال سلسله‌ی قاجار بود. سلطانزاده همزمان سیاست بریتانیا را که برخلاف سیاست متمرکزسازی رضاخان بود، نکوهش می‌کرد. مصوبه معترض به کارزار سازمان‌یافته توسط عوامل بریتانیایی بود که هدف‌اش حفظ رژیم سلطنتی بود:

ایران نه نیازمند تغییر افراد و شخصیت‌ها بل که نیازمند تغییر رژیم است. تغییر اشخاص منجر به تغییر رژیم نخواهد شد. به این علت باید مسئولیت عظیمی که مردم ایران به هیئت موسسان واگذار می‌کنند را در نظر آوریم، ما اعلام می‌کنیم که اعلان یک شاه جدید هیچ نتیجه‌یی به جز واگذاری کشور به امپریالیست‌های بریتانیایی نخواهد داشت. در مقابل، اعلان جمهوری راه را برای دستیابی به استقلال و بقای اقتصادی ایران خواهد گشود ... نماینده‌گان حقیقی مردم باید بگویند: «سلطنت مرده است، زنده باد جمهوری!» در انجام این وظیفه‌ی غرورآمیز شما از حمایت کامل بورژوازی مترقی، استادکارها، روشن‌فکران لیبرال، عناصر آگاه ارتش، افسران و کارگران برخوردار خواهید بود. مرگ بر پادشاه و حامیان‌اش^{۴۳}.

در این جا باید تاکید کنیم که پس از ۱۹۲۳، مقامات شوروی و کمینترن دیگر سلطانزاده را به عنوان متخصص امور ایران در نظر نمی‌گرفتند؛ وی با متخصصان

^{۴۳} - *Bulletin Périodique de la Presse Russe (Bolchevique)* no. 150 (1925) p. 7

اشاره کنیم که یک سال قبل سلطانزاده از رضاخان جمهوری‌خواه با عناوین «آفریننده‌ی ارتش ملی»، «سیاست‌مداری ارزش‌مند» و مرد «مردمی» در میان توده‌ها یاد کرده بود. شکی نیست که این تجلیلی اشتباه و زودگذر بود که باید در کارهای بعدی‌اش تصحیح می‌شد. درباره‌ی این نگرش اشتباه بنگرید به مقدمه‌ی جلد ششم ما بر اسناد تاریخی و هم‌چنین: *Persia, op. cit.*, pp. 90-91.

روسی‌یی هم‌چون ایرانسکی (یاستوخوف) و ایران‌دوست (اوستروف) که در واقع افسران کمیساریای مسائل خارجی شوروی بودند، تعویض شد؛ افرادی که بعدها در ایران کارمند سفارت و سفیر شدند. سلطان‌زاده تنها هنگامی توانست مجدداً بر صحنه‌ی سیاسی ظهور کند که تعارض داخلی حزب کمونیست شوروی شرایط را برای به‌دست گرفتن مجلس توسط تعداد مشخصی از «نیروهای جناح چپ» مهیا کرد، تعارضی که در ارگان‌های رهبری کمیترن نیز بازتاب یافت. در آن تاریخ بود که استالین در حال آماده‌شدن برای خالی کردن زیر پای بوخارین «راست‌گرا» بود، یعنی درست پیش از آغاز کنگره‌ی ششم کمیترن. در این جا بار دیگر فرصتی برای سلطان‌زاده مهیا شد تا به کارشناسان مسائل ایران شوروی هجوم برد: فرصتی برای کاهش یا حتا حذف تاثیر جناح راست حزب که به‌دنبال هم‌کاری با رضاخان بود و همین‌طور فرصتی برای اعلام دیدگاه‌اش در باب شرایط جدید ایران که در آن یک حزب کمونیست مجدداً سازماندهی شده باید به کار پردازد.

مرحله‌ی دوم حزب کمونیست ایران

سلطان‌زاده در سازماندهی مجدد حزب کمونیست ایران بسیار تاثیرگذار بود، حزبی که در پی حملات شدید دیکتاتوری نظامی در حال ظهور متحمل دشواری بسیار شده بود؛ وی به سازماندهی کنگره‌ی دوم حزب کمک کرد، کنگره‌یی که در آن نقش مهمی را نیز ایفا کرد. او در مورد این کنگره گزارشی را در دسامبر ۱۹۲۷ منتشر کرد.^{۴۴} مقاله‌یی که در نوامبر ۱۹۲۷ در انترناسیونال کمونیستی منتشر کرد باید بخشی از گزارشش به همین کنگره بوده باشد.^{۴۵}

در انتهای دومین کنگره‌ی حزب، وی بار دیگر به نماینده‌گی حزب در کمیترین برگزیده شد و بر این اساس همراه با نیک‌بین در ششمین کنگره‌ی جهانی کمیترین حضور یافتند. در این کنگره او باز هم حضوری فعال در مباحثات داشت. علاوه بر

^{۴۴} „Kommunistische Internationale Der Zweite Parteitag der K.P. des Iran“, in- pp. 144-150 „Politische Schriften, op. cit Heft 51, December 1927; also in Wege der Entwicklung im: Modernen Persien“, in K.I., Heft 48 (November -^{۴۵} pp. 116-126; the English „Politische Schriften, op. cit 1927) pp. 2359-69; also in January 1928, pp. 9-13 \, The Communist International version in

مقاله‌اش در مورد چهارچوب نظری برنامه‌ی مدون کمیترن جدید و نقدش به خط بوخارین که پیش‌تر در مورد آن بحث کردیم، وی در مورد مسئله استعمار بحث کرد و صریحاً نگرش ملایم کمیترن نسبت به رژیم پهلوی در ایران را مورد نقد قرار داد.^{۴۶}

نوشته‌های دیگر وی در سال ۱۹۲۸ بدین ترتیب است: امپریالیسم انگلیس و ریشه‌های سلسله‌ی پهلوی در ایران^{۴۷}، کشورهای مستعمره و اقتصاد جهانی^{۴۸}، نبرد جهانی بر سر نفت و ذغال سنگ^{۴۹}.

در سال‌های بعد، تنها یک مقاله به نام وی یافته‌ایم: «آماده شدن انگلیس برای جنگ علیه شوروی^{۵۰}». به هر حال، وی بروشوری نیز به روسی منتشر کرد، که مقصود اصلی آن پاتکی به «متخصصین» اهل شوروی مسائل ایران بود که رژیم پهلوی را توجیه و پشتیبانی می‌کردند.^{۵۱}

شکی نیست که از ۱۹۲۸ تا ۱۹۳۰ او اکثر زمانش را وقف وظایفی کرده بود که حزب کمونیست ایران و کمیترن به او محول کرده بود. می‌دانیم که او در دو پلنوم

July 1928; See *Die K.I. Gibt es Eine Epoche des Finanzkapitals?* in^{۴۶} *Ecrits* pp. 127-143; the French version in *„Politische Schriften, op. cit* in *Economiques, op. cit* هم‌چنین سخنرانی‌های او را در کنگره در نسخه‌های روسی، آلمانی، فرانسوی و انگلیسی ویراست‌های *Inprecorr* ببینید: *German versions, in nos 112 and 95, dated 4 October and 3 September 1928; French versions in nos 100 and 128, dated 25 October 1928.*

۴۷ - *Angliiskii imperializm v Persii i Sotsial'noekonomicheskaja Priroda Monarkhii* in *„Revolutsionnyi Voslok Reza Shakha Pekhlevi”* in no. 3 (1928) pp. 83-111

۴۸ - *Kolonial'nyt Slrany i Mirovoye Khoziaistvo* (Moscow, 1928)

۴۹ - این اطلاعات توسط خود سلطان‌زاده در کتاب‌اش که بالا در پانویس ۵۴ مورد اشاره قرار گرفت ارائه شده است؛ ما خود قادر به بررسی مقاله نبودیم.

۵۰ - *„Die K.I. Die Vorbereitungen Englands für den Krieg Gegen die UdSSR”, in* pp. 158-177 *„Die Politische Schriften, op. cit* December 1929, pp. 1455-1477; also in *„Avanessian, Hist. Doc-* ۵۱ *vol. 1, pp. 121-122, op. cit*

کمیته‌ی مرکزی حزب کمونیست ایران شرکت داشت که آن‌طور که به ما گفته‌اند در ایران برگزار شده بودند. وظیفه‌ی ویرایش نشریات حزب در خارج از کشور و هم‌چنین ترجمه‌ی متون مارکسیستی به فارسی به وی محول شده بود.^{۵۲}

دو نشریه‌ای که مسئولیت ویرایش آن‌ها بر عهده‌ی سلطان‌زاده بود عبارت بودند از: ستاره‌ی سرخ و پیکار که به ترتیب در بازه‌ی ۱۹۳۱-۱۹۲۹ در وین و در ۱۹۳۱ در لایپزیگ منتشر می‌شدند. روزنامه‌ی پیکار با هم‌کاری مستقیم مرتضی علوی منتشر شد. هر دو این نشریات تحت فشار رژیم‌های ایران و شوروی از یک سو و فشارهای حکومت آلمان و ایران از سوی دیگر توقیف شدند.^{۵۳}

در سال ۱۳۰۷/۱۹۲۹، مسئولیت خطیر رهبری اعتصاب [به رهبری یوسف افتخاری و دوستان‌اش] معروف پالایشگاه نفت آبادان^{۵۴} و تلاش برای تغییر جهت دادن به شورش‌های عشیره‌یی در جنوب ایران به وی محول شد.^{۵۵} در سال ۱۹۳۰ وی اثر اصلی خود در مورد ایران را منتشر کرد، اثری که در آن به بحث درباره‌ی سلطه‌ی بریتانیا پرداخت و ایده‌های اصلی خود درباره‌ی توسعه‌ی اقتصادی-اجتماعی ایران را با تکیه بر آن ساخته و پرداخته کرد. در این کتاب نیز، از نقد صریح ایران‌شناسان شوروی غافل نشد.^{۵۶} یک سال بعد در ۱۹۳۱، دو مقاله‌ی مهم دیگر با امضای او منتشر شد؛ یکی درباره‌ی تهدیدات نظامی علیه شوروی بود که در آن نقش رژیم

^{۵۲} - *Moscow, 1929*); *Persian translation in Hist. Doc. vol. IV, pp. 145-155*) *Persia-*

^{۵۳} - در مورد پیکار بنگرید به *Hist. Doc., vol IX and MCI* هم‌چنین کتاب آتی ما *The Communist Party of Iran, op. cit*؛ برای لیست مقالات این دو نشریه‌ی حزب کمونیست ایران بنگرید به *Hist. Doc., Volumes VI and IX*

^{۵۴} - در رابطه با اعتصاب آبادان بنگرید به *The Conditions of the Working Class in Iran, op. cit*

^{۵۵} - منابع حزب کمونیست ایران در مورد شورش‌های عشیره‌یی در این‌جا یافت می‌شود *Hist. Doc., vol. VI* *Chapter IV, The Communist Party of Iran, op. cit* pp. 25-26, *op. cit* and *MCI*

^{۵۶} - *The Economic)Ekonomicheskoe Razvitie Persii i Angliiskii Imperializm- Development of Iran and English (sic) Imperialism) (Moscow, 1930); French Ecris Economiques, op. cit translation in*

پهلوی در این خصوص را نشان می‌داد؛ دومی نیز مقاله‌یی مهم در مورد مسئله‌ی دهقانی در ایران بود.^{۵۷} آخرین اثر منتشرشده‌ی شناخته‌شده‌ی او رساله‌یی در باب ایران بود که در آن به طبقات اجتماعی و احزاب سیاسی می‌پرداخت.^{۵۸} باید اضافه شود که وی یکی از اصلی‌ترین دست‌اندرکاران نشریات حزب بود. دو نام مستعار وی که توانسته‌ایم تشخیص بدهیم مراغه و هرمز است.^{۵۹}

یافتن رد سلطان‌زاده بعد از سال ۱۹۳۱ اگر کاملاً ناممکن نباشد، بسیار سخت است. لاتزیچ و دراچکویچ ادعا می‌کنند بعد از آن که سلطان‌زاده عضویت خود در حزب کمونیست ایران را از دست داد، به‌منظور کار برای دولت شوروی تا زمان بازداشت و مرگ‌اش که تاریخ آن حدود ۱۹۳۶ الی ۱۹۳۸ میلادی است، به شوروی بازگشت.^{۶۰} موافقت با چنین اظهار نظری دشوار است زیرا اطلاعات دیگری که در اختیار داریم چیز دیگری را نشان می‌دهند.

no. 44 (May, *Inprekorr*, "Persien als Vorposten des Britischen Imperialismus" - 0v 1931) pp. 1057-58; "La Part du Proche Orient dans la Préparation de la Guerre : no. 43 (16 May 1931) p. 589, *Inprekorr*, "Anti-Soviétique May 1931) p. 453 (۱۳) ۲۵

۵۸ - *(Moldaja Gvardiia) (Moscow, 1931) Persiia*!

۵۹ - خواننده‌ی علاقه‌مند می‌تواند به نشریات ذیل برای نسخه‌های فارسی یا خارجی آن مقالات که قادر به انتشار آن‌ها بوده‌ایم، مراجعه کند. تلاش‌های ما در طول سال‌ها برای به‌دست آوردن سایر مقالات ناکام بوده است، زیرا منافع قدرتمندی در پس محافظت از این نشریات وجود دارد که با این کار نسل‌ها بعدی را از آموختن از نگرش و روش انتقادی حزب کمونیست ایران محروم می‌کند. تنها دو مقاله‌ی پیکار و ستاره‌ی سرخ در ذیل یافت می‌شود: *op. cit. ... The Conditions of the Working Class, Hist. Doc., vol VI, MCI, op. cit.*

دو شماره‌ی ستاره‌ی سرخ نیز توسط امیرخیزی سال‌خورده، یک پیکارجوی سابق حزب کمونیست ایران، در طول بازدید ما در سال ۱۹۷۳ به دست ما رسید. وی از ما خواست که تا زمانی که زنده است منبع به دست آوردن این مقالات را بیان نکنیم؛ شرطی که به دقت آن را رعایت کردیم.

۶۰ - *Haidar Amu*, p. 392; see also *Shamide, A.I., Latzich-Drachkovitch, op. cit.* - *Baku, 1973) p. 39) Ogli*; در یکی از پانویس‌ها آمده است که سلطان‌زاده بعد از ۱۹۳۲ به کار در نظام بانکی اتحاد شوروی بازگشت.

سه مقاله‌ی نوشته شده توسط یک نویسنده‌ی استالینست در نشریه‌ی *Revoliutsionnyi Vostok* که به سلطانزاده حمله می‌کند، از نگرش آپاراتوس استالینستی در کمیترن نسبت به سلطانزاده و رفقای نزدیک‌اش پرده برمی‌دارد. مقاله‌ی اول که با نام مستعار «رنجبر» نوشته شده بود، حمله‌ی علیه ستاره‌ی سرخ بود و ادعا می‌کرد که ستاره‌ی سرخ نشریه‌ی «آنتی-لنینستی» است؛ دو مقاله‌ی دیگر علیه شخص سلطانزاده بودند، و مدعی بودند که او یک «چپ‌گرای آنتی-لنینست ماجراجو» و «انحراف‌گرای دست‌راستی» است.^{۶۱} در همین حد بسنده می‌کنم که چنین توهین‌هایی روالی معمول بر علیه تمام آنانی بود که برای هم‌گامی با سیاست‌های استالینستی آماده نبودند. اما این واقعیت که چنین اتهامات سفت و سختی بر وی روانه شدند، جای کمی برای تردید در این قضیه باقی می‌گذارد که امکان ادامه‌ی کار سلطانزاده برای دولت شوروی دیگر وجود نداشت. ما با اطمینان می‌توانیم فرض کنیم که آن حملات پیش‌زمینه‌ی لازم برای تبعید اولیه‌ی وی در اوایل سال‌های ۱۹۳۰ میلادی بود.

«رنجبر»، با نام اصلی گیلبراس، که از مقامات سرویس خارجی شوروی و سابقاً نماینده‌ی تجاری شوروی در ایران بود، مشخصاً از جانب مقامات حزبی بلندپایه در شوروی سخن می‌راند. این واقعیت که بعد از این حملات علیه حزب کمونیست ایران، حزب دیگر نه نشریه‌ی منتشر ساخت و نه درگیر هیچ‌گونه فعالیت معنادار دیگری شد ثابت می‌کند که ممنوعیت اعمال شده بر حزب توسط مقامات شوروی ممنوعیتی تمام‌عیار بود.

^{۶۱} - Ranjbar (real name G.C. Gel'bras), "Tov. Sultanzade, Kok Vyrzitel' Revoliutsionnyi", *melkoborzhuaznovo vliianiia v Voprosakh, Persidskoi Revoliucii no. 1* (1933) pp. 54-73 and pp. 74-90; also, editorial note, no. 2 (1934) pp. , *vostok see no. 1-2, pp. 372-377* (Persian translation in *Sttarey-ye Sorkh 184-185*; as to (Hist. Doc, op. cit., Volume IX

اتهامات علیه سلطانزاده و هم کاران نزدیکش توسط منابع دیگر شوروی تقویت و تکرار شده‌اند. بدین ترتیب، *Bolshaia Sovetskaia Entsiklopediia*^{۶۲} از نقش خائنانه‌ی ایفا شده توسط عناصر تروتسکیست (همراه با شعارهای چپ‌گرایانه‌شان) سخن به میان آورد. نسخه‌های بعدی همین نشریه نیز آن اتهامات را تکرار می‌کردند. تاریخ‌نگاران شوروی نظیر ایوانوا نیز با عبارات فعالیت «ضدانقلابی» و فعالیت‌های «فتنه‌برانگیز» به اتهام زدن به سلطانزاده مبادرت ورزیدند.^{۶۳}

بدین ترتیب به نظر می‌رسد که سلطانزاده (اگر نگوییم اولین) قطعاً در میان اولین کمونیست‌های خارجی قرار داشته، که خیلی زود در تصفیه‌ها کشته شدند. منابع شوروی گزارش می‌کنند که اعدام وی در ۱۶ ژوئیه ۱۹۳۸ صورت گرفته است.^{۶۴}

تاکید بر یک واقعیت تاریخی در این جا آموزنده است؛ این که، حزب کمونیست ایران، فارغ از اندازه‌اش و علی‌رغم کم‌مقدار بودنش در مقایسه با احزاب کمونیست بزرگ در غرب، به نظر می‌رسد به لطف بدنه و رهبری‌اش که تقریباً تماماً شکل گرفته از طبقه‌ی کارگر بود، تنها حزبی بوده است که از تمکین در برابر دستورات از بالا صادرشده‌ی حزب کمونیست شوروی و کمیترن سر باز زده است. این حزب هرگز از نقّادی دست نکشید، و هنگامی که به رفتار آشتی‌جویانه‌ی شوروی با دیکتاتوری نظامی رضاشاه رسید، به‌طور آشکار آن را نقد کرد. هزینه‌ی چنین مقاومتی در برابر اوامر شوروی بی‌شک حذف فیزیکی و

^{۶۲} - *Bolshaia Sovetskaia Ensoklopediia* - Moscow, 1940, vol. 45; see also the English translation of the third edition (London, 1970) Volume 10, p. 401. Also Volume 18, (1952) pp. 414-416.

^{۶۳} - Ivanova, M.N., "Natsional'no-Osvoboditelnoie dvizheniie v Gilanskoi - no. 3 (1955) p. 52, *Sovetskie Vostokovedeniia Provintsii Irana v Gody 1920-1921*", in

^{۶۴} - *S.I.e., op. cit.*; کمونیست‌های ایرانی نظیر نیک‌بین، مرتضی علوی، شرقی، حسابی و زارع نیز در این تصفیه‌ها کشته شدند. بنگرید به: *Naderi, op.cit.*, *Jakir, Insel Verlag GFR, 1972*

نیز تاریخی رهبری انقلابی حزب بود، یعنی نابودی یک تجربه‌ی تاریخی غنی که شکل‌گیری‌اش سال‌ها زمان برده بود.

شکی نیست اگر رهبری حزب کمونیست ایران (در رأس آن سلطان‌زاده) به تدبیر امور جنبش کارگری در ایران ادامه داده بود، می‌توانست به نسل‌های بعدی چپ‌های ایران کمک کند تا بسیاری از اشتباهات را مرتکب نشوند. نمی‌توان مدعی شد که سلطان‌زاده و هم‌کاران نزدیک‌اش مثل نیک‌بین، علوی، زارع، لادبُن^{vii} و شرقی اگر می‌بودند نمی‌توانستند از تجربه‌شان در انقلاب روسیه و جنبش انقلابی ایران استفاده کنند، یا قادر نبودند بینش انتقادی‌شان را عمومی کند تا جنبش کارگران ایران از مخاطرات سال‌های بعدش دور بماند. مردی به مانند سلطان‌زاده باید حذف می‌شد، تا جنبش کمونیستی ایران تحت کنترل روسیه باقی بماند.

استقلال ذهن، خودباوری و سنجش انتقادی‌یی که سلطان‌زاده در طول سه دهه کار در مبارزه‌ی طبقاتی در دل روسیه‌ی تزاری، جنگ داخلی روسیه و خود ایران به دست آورده بود برای رژیم شوروی خطرناک بودند. آپاراتوس استالینیستی، که این کمونیست‌های ایرانی با تجربه را به کام مرگ فرستاد، به‌خوبی آگاه بود که آنان نه «عَمَّال آلمان» بلکه انقلابیونی از جان گذشته بودند؛ انقلابیونی که چنان در اندیشیدن‌شان خودآئین بودند که می‌توانستند در مقام رهبری جنبش انقلابی در یکی از کشورهای همسایه به مانند ایران مورد اعتماد باشند. آن‌ها به افرادی حرف‌شنو به مانند رهبران حزب توده نیاز داشتند، که دستاوردهای‌شان به لحاظ صورت‌بندی خط‌مشی سیاسی، کار نظری، و هم‌چنین مقاومت، کاملاً برنامه‌ریزی شده بود.^{۶۵}

vii - برادر نیما یوشیج که در دوران تصفیه‌های استالینی کشته شد.

^{۶۵} - در این جا نکته‌ی دیگری شایان ذکر است. اغلب سلطان‌زاده با جوادزاده (پیشه‌وری که هم‌کارش بود) اشتباه گرفته شده است. چنین ایده‌یی در آثار زیر یافت می‌شود:

در پایان، باید اظهار کنیم که ارزیابی انتقادی آثار سلطانزاده هنوز انجام نشده است. تاکید بر این نکته مهم است که فارغ از خطاهایی که سلطانزاده در تحلیل‌های نظری‌اش از شرایط اقتصادی-اجتماعی و توسعه‌ی اجتماعی ایران مرتکب شد، وی اولین ایرانی‌یی بود که در دوران پس از انقلاب مشروطه یک

New York, 1948, p. 224, or F.W. Russia and the West in Iran, Lenczowski
Seuil (nd), p. 131, Le Réveil du Monde Musulman, Ferrau

در این‌جا نیازی به اثبات این نکته نداریم که سلطانزاده و پیشه‌وری دو شخص متفاوت‌اند؛ ما این کار را در جایی دیگر انجام داده‌ایم (Hist. Doc, vol IV, Introduction, p. 13). حتا لازم نیست که به «اظهارات» بی‌پایه و اساس م. ن روی (London, 1964, memoirs) یا د. دساتنی و هم کاران (L'Internationale Communiste, Paris, 1970) جواب دهیم؛ که اگر نگوئیم از طریق سم‌پاشی بیش‌تر از سر جهل درباره‌ی سلطانزاده صحبت کرده‌اند، آن‌هم به جای آن‌که مقصودی علمی داشته باشند. نمی‌توان اشاراتی که در باب نقش سلطانزاده در دپارتمان خاورمیانه‌ی کمیساریای امور خارجی شوروی شده را جدی گرفت. اشاراتی که در اصل توسط وابسته‌ی نظامی فرانسه در ایران ساخته شده است (Le Monde Musulman) Capt. Ducroq, vol. 147 (1922) p. 52)) که سپس در آثار زیر تکرار شده است:

۶۳۶. (The Soviet Russia and the East) Eudin and R. North (Stanford, 1964) p. 98; H. Carrere d'Encausse, S. Schram, op. cit, 99, and by Lenczowski edited, Histoire Générale du Socialisme Paris, 1965) p. 47 and) Marxisme et l'Asie by Droz, vol III, (Paris, 1977) p. 636

که برطبق آن‌ها سلطانزاده مسئول دپارتمان شرق نزدیک کمیساریای امور خارجه‌ی شوروی بوده است. هر محقق معمولی‌یی نیز می‌تواند به ساده‌گی ثابت کند که آن‌کسی که در این پست قرار داشت وزنسنسکی بوده است و نه سلطانزاده. نیاز است که آثار زیر بررسی شود: (New Jersey, 1970, The Soviet Diplomatic Corps, and Crowley dated II September 1920 inter alia, Soviet Russia: این «عدم دقت» قابل بررسی و این سست‌انگاری (که خاستگاه ایدئولوژیکی دارد) که سلطانزاده به صورت نظام‌مندی قربانی‌اش شده است، به‌شدت برای کسانی که سعی می‌کنند کمبود صداقت و عینیت علمی شوروی را تکذیب کنند ناخوشایند است. همچنین به تاریخ‌نگاران شوروی باید خاطر نشان کرد که آخرین کتاب‌های شوروی در باب این موضوع کماکان به اتهام زدن هرچند به شکلی تقلیل یافته ادامه می‌دهد. به‌عنوان نمونه بنگرید به منبع زیر که ویراستارش نظریه‌پرداز جهان سوم در شوروی است: (The Comintern and the East: Moscow, 1979. هم‌چنین اشاره به این نکته نیز ارزش‌مند است که کتاب اخیر به دو مقاله‌ی سلطانزاده در Izvestia تاشکند مورخ ۳۱ مارس ۱۹۲۰ ارجاع می‌دهد. تلاش‌های ما برای به دست آوردن این مقالات از اتحاد شوروی تاکنون بی‌ثمر مانده است.

تحلیل روش‌مند و جدی از جامعه‌ی ایران انجام داد. تا جایی که ما می‌دانیم وی هرگز بابت این مسئله شهره نبوده است.

ضمیمه

تزهای ارائه‌شده به لنین توسط سلطان‌زاده در آستانه‌ی دومین کنگره‌ی کمیترن^{۶۶}.

۱. در دهه‌ی ۷۰ [۱۸]، مستعمرات و «قلمروهای تحت نفوذ» در شرق تحت تاثیر سرمایه‌داری تجاری روبه رشد قرار گرفتند، آن‌هم در حالی که سرمایه‌ی صرافان بسط می‌یافت. سیاست استعماری قدرت‌های بزرگ مانع توسعه‌ی صنایع بومی در این کشورها بود. سیاست استعماری این کشورها را تبدیل به بازارهای خرید محصولات مصرفی کرد و این سیاست در گستره‌ی عظیمی به استثمار منابع خام پایان‌ناپذیر این کشورها جهت تغذیه‌ی مراکز صنعتی اروپا کمک کرد. ورود کالاهای خارجی ارزان به این کشورها، آن‌هم به تعداد زیاد، قطعاً صنایع خانه‌گی و کارگاه‌های استادکاری این کشورها را نابود کرد. آن‌ها منابع‌شان را در نبردی نابرابر از دست دادند و سریعاً به توده‌ی پرولتاریای شهری پیوستند.

^{۶۶} Source - *Le Mouvement Communiste en Iran*: Edition by C. Chaqueri

Mazdak Florence, 1979) pp. 234-236

در حالی که این فرآیند شوم انباشت اولیه در کشورهای اروپایی مدتی کوتاه به طول کشید؛ به خاطر این که توسعه‌ی پیوسته‌ی کارخانه‌ها و کارگاه‌ها پرولترها را با مهر ایده‌ئولوژی طبقاتی گردآوری و تبدیل به پرولتاریای حقیقی ادغام شده در جریان اشکال جدید اقتصادی کرد، فرآیند مشابه در کشورهای شرق موجب مهاجرت بی‌وقفه‌ی میلیون‌ها انسان گرسنه به مراکز صنعتی اروپا و آمریکا شد. در حال حاضر هیچ نیرویی، برای پایان دادن به این جنبش حتی به صورت مقطعی وجود ندارد.

۲. کماکان در این کشورهای مستعمره و نیمه‌مستعمره توده‌هایی دهقانی وجود دارد که در شرایطی به شدت سخت زنده گی می‌کنند. زنجیرهای اسارت فئودالی کماکان در شرق طنین‌انداز است. بار بسیار سنگین مالیات و هزینه‌ی دولت بر دوش این قربانیان نگون‌بخت زمین‌داران است. دهقانان در این جا تنها طبقه‌ی مولد هستند. آنان نه تنها باید خودشان و خانواده‌های‌شان را سیر کنند، و نه تنها باید زمین‌داران سیری‌ناپذیر و کاسبان بی‌شمار و تجّار را راضی کنند، بل که هم‌چنین مجبورند بار هزینه‌ی هوا و هوس گروه دزدان متشکل از ماموران حکومتی را نیز بر دوش بکشند، مامورانی که در زمان برداشت بر دهقانان خیمه می‌زنند.

۳. نظر به شرایط عقب‌مانده‌ی اقتصادی و سیاسی این کشورها، طبقات تحت ستم و تحت انقیاد شرق، فارغ از پتانسیل عظیم انقلابی‌شان، در هیچ کجا تاکنون قادر به تشکیل یک حزب انقلابی مستحکم نبوده‌اند. هم‌زمان زوال طبقات مسلط در حال آشکار شدن است. در حالی که منافع زمین‌داران نیازمند حفظ سیاست استعماری قدرت‌های بزرگ است، منافع بورژوازی شهری به شدت در تضاد با دخالت خارجی قرار دارد: روحانیت در اعتراض به این دخالت خارجی کالاهای حاصله از زمین «کفار» را تحریم می‌کند و کاسبان و تاجران نزاع بزرگی را علیه «کفار» به پیش می‌برند. هیچ وحدتی میان طبقات مسلط وجود ندارد و نمی‌تواند وجود

داشته باشد، برخی با استعمار کارگران‌شان خود را وابسته به بازار جهانی می‌کنند و دیگران درباره‌ی دفاع از استقلال‌شان در وهم به سر می‌برند.

۴. این شرایط منجر به امکان‌هایی برای انقلاب می‌شود، انقلابی که به لطف ضعف بورژوازی، به ناچار از مرحله‌ی انقلاب ملی به مرحله‌ی انقلاب اجتماعی حرکت خواهد کرد. مجاورت با روسیه که منبع عظیم انرژی انقلابی است اهمیت تقریباً تعیین‌کننده‌ی در جنبش‌های بخش تمام طبقات تحت ستم و استعمار در شرق و شرق دور خواهند داشت. هم‌زمان، انقلابی اجتماعی که پیش از این در مقیاس جهانی آغاز شده است، و راه‌حل‌های [طرح شده] توسط احزاب کمونیست تبدیل به شعارهای مبارزات ظفرمندان‌ی کارگران آسیایی خواهد شد. سنگرهای سرمایه‌داری که شعله‌های آن از شرق تا غرب زبانه می‌کشد باید به‌ناچار با حمله‌ی انقلابیون و پرولتاریای تمام جهان به ویرانه تبدیل شود.

۵. کارگران شرق پس از این که قدرت را در دست گرفته و مسئله‌ی دهقانی را به‌صورتی کمونیستی حل کردند، باید با عزمی راسخ خود را متعهد به ائتلافی با خرده تولیدکننده‌گان شهری کنند. اولین اقدام در برنامه‌ی اقتصادی بعد از انقلاب اجتماعی مشتمل بر متحد کردن استادکارها و کارگران صنایع کارگاهی خواهد بود. دولت پرولتاریایی به‌منظور به‌کار گرفتن تمام نیروهای مولد کشور باید هم‌زمان اجتماعی کردن کارخانه‌ها و شرکت‌های بزرگ را عهده‌دار شود تا بتوان از منابع طبیعی بهره‌برداری بهینه کرد، راه‌آهن ساخت و برای زدودن فقری اقدام کرد که سیاست‌های استعماری قدرت‌های بزرگ ایجاد کرده است.

یک اروپایی کمونیستی که بر اثر چهار سال جنگ و انقلاب نابود شده است، در آغاز قادر به برآورده کردن نیازهای آسیا در زمینه‌ی ابزار تولید و محصولات کارخانه‌یی به‌صورت کامل نخواهد بود. اما پرولتاریای غرب با کمک مردمان انقلابی شرق، سریعاً بر خرابی به ارث رسیده از سرمایه‌داری غلبه خواهند کرد. تنها

کمک متقابل می‌تواند جهان را از تباهی نجات دهد و سرانجام درفش انقلاب اجتماعی را بر فراز ویرانه‌های سرمایه‌داری از هم پاشیده بالا برد.

الف. سلطان زاده
